



دولت و سیاست‌هاک اعتماد به بازار سرمایه

می‌کنند به صورت زنجیر وار از یک بازار به بازاری دیگر منتقل می‌شود تا در نهایت همه دارایی‌ها از نظر قیمت همگرا می‌شوند. به طور نمونه، وقتی دولت اقدامی انجام می‌دهد که قیمت ارز بالا رود، این موضوع باعث می‌شود دیر یا زود قیمت مسکن هم بالا رود؛ بعد از خود در بازار سهام و به تدریج در سایر بازارها نشان می‌دهد. به همین ترتیب اگر قیمت‌های بازار سهام تغییر چشمگیری داشته باشد، این رفتار تاثیر خود را در بازارهای دیگر می‌گذارد.

واقعیت این روزهای اقتصاد ایران حضور پررنگ دولت در عرصه‌های گوناگون است. در برنامه ارائه شده دکتر طبیبیان نیز به کلیات اشاره شده است و راه‌های عملیاتی در آن گنجانده نشده یا حداقل تاکنون برنامه‌ای اعلام نشده است. درباره جزئیات سیاست‌گذاری‌ها نیز باید این سوال را از خود دولت پرسید؛ در واقع باید با توجه به تجربه‌ای که در ۸ سال گذشته داشته‌ایم به این نقطه برسیم که اگر تصمیمی از اول نادرست تشخیص داده می‌شود، نباید آن را اجرا کنیم تا بعد بخواهیم آثارش را کنترل کنیم. این کار جز اتلاف هزینه و وقت، معنای دیگری ندارد. من به دولت یاد دهم اعتقاد زیادی دارم و امیدوارم در اجرای برنامه‌های اقتصادی و سیاسی توفیقات زیادی کسب کند. از طرفی معتقدم رسانه‌ها علاوه بر اینکه از دولت و وزرا حمایت می‌کنند باید در مورد برنامه‌ها و جزئیات‌شان از دولت و وزرا توضیح بخواهند.

کند و جلوگیری از تبعات این موضوع نیز اجتناب ناپذیر است. باید مشخص شود که کنترل آثار این تصمیم‌ها قرار است از چه کانال‌هایی صورت گرفت؟ آیا اساساً امکان این کار وجود دارد؟ به اعتقاد اینجانب این خواسته تنها وقتی معنا پیدا می‌کند که راهکارها اجرایی کوتاه، میان و بلند مدت آن اعلام شود و پیش شرط اصلی آن که هماهنگی همه بخش‌ها با بازار سرمایه است، مدنظر قرار گیرد. امری که بسیار سخت نیز هست. در واقع، دولت به شرطی می‌تواند در کنترل

نسبی این مسئله موفق باشد که سیاست‌هایی را تصویب و اجرایی کند که اعتماد مردم به بازار سرمایه را احیا کند. دولت باید ایجاد شفاف‌سازی و حذف برخی واسطه‌گری‌ها، ثبات رابه بازار سرمایه و فعالان این بازار برگرداند. تمامی این کارها را دولت باید به طور ایجابی انجام دهد. دولت‌ها نمی‌توانند بگویند ما کاری را در جایی انجام می‌دهیم بعد آثارش را در جایی دیگر، کنترل می‌کنیم.

اینکه بخش‌هایی از بدنه دولت اقداماتی را انجام دهند که بعداً دولت مجبور باشد اثرات این کارها را در بورس کنترل کند تا حدودی سخت است. مثلاً فرض کنید برخی از سیاست‌گذاری‌ها از سوی دولت باعث افزایش نقدینگی می‌شود، بعد دولت اعلام کند که تاثیر افزایش نقدینگی را در بورس کنترل می‌کند، امری که چندان از لحاظ اقتصادی معنا پیدا نمی‌کند.

اتخاذ سیاست‌هایی که در بازارها ایجاد هیجان

«اساساً دولت‌ها نمی‌توانند بگویند که یک کاری را در جایی انجام می‌دهند، بعد آثارش را کنترل می‌کنند.»

وزیر اقتصاد برنامه‌هایی کلان برای توسعه بازار سرمایه تدوین ولی در خصوص راهکارهای اجرایی و ابزارهای عملیاتی کردن آن توضیحی ارائه نکرده است. البته باید دید دولت در عمل چه برنامه‌هایی را همسوی با سیاست‌گذاری‌های وزیر برای بازار سرمایه طراحی و پیاده‌سازی خواهد کرد.

«کنترل آثار حساسیت بازار سرمایه به سیاست‌های متخذه دولت» اگر غیرممکن نباشد، بسیار دور از دسترس است. به این دلیل که هر تصمیمی که در سطح کلان کشور گرفته شود قطعاً روی بازار سرمایه تأثیرگذار است؛ مگر اینکه یک تصمیم کاملاً خنثی و بی‌هدفی داشته باشد. اثرپذیری بالای بازار سرمایه از سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت و سایر بخش‌های تصمیم‌گیر در کشور باعث شده که بازار سرمایه به جایگاهی برای سنجش آزمون و خطای تصمیم‌سازان بدل شود. به طور مثال، وقتی دولت کسری بودجه دارد؛ این موضوع باعث افزایش قیمت دارایی‌های مختلف می‌شود. بازار سرمایه هم همانند سایر بخش‌ها، تاثیرپذیری مستقیمی از این تحول دارد. طبیعی است که تغییر یک پارامتر مهم اقتصادی می‌تواند به صورت زنجیره‌ای قسمت‌های مختلف اقتصاد و بعضاً اجتماع را درگیر خود